

گزارشی از مشکلات

قلعه هزار بار



کی می خواهند برگردند و به این زمین های خالی سروسامان بدهند. از طرفی خانه ها را که تخریب کرده اند، زمین های خالی آن شده است پاتوق اراذل و اوباش و معتادان. زن و بچه مردم شب ها از ترس این اراذل جرئت نمی کنند در این خیابان ها رفت و آمد کنند. تازگی هم شب ها همین جا می چرخند تا ببینند کدام خانه خالی است که راحت دزدی کنند. حتی آن قدر گستاخ شده اند که گاهی شب ها ساعت یک و دو نیمه شب زنگ خانه را می زنند تا ببینند خانه خالی است یا نه!



فعالیت اقتصادی برخی دفاتر کارگزاری

کمی که بحث بالا می گیرد، صمدی، دیگر ساکن محله که انگار دل پری از وضعیت نابسا مان این منطقه دارد، جلو می آید و می گوید: شهرداری خودش مستقیم وارد عمل نشده و به همین علت به آن صورت رضایت مردم را جلب نکرده است. شما ببینید چهار یا پنج دفتر کارگزاری بافت فرسوده در این منطقه هست که خودشان شدند بنگاه دار. خانه را از این طرف می خرند، از آن طرف

مصطفی فاطمی نسب - خان ها مرده اند؛ سالیان سال است که قلعه سقوط کرده است و نااهلان و راهزنان جان گرفته اند و هر از گاهی خانه خالی می کنند و مزاحم نوامیس مردم می شوند. روایت این روزها و این سال ها نیست؛ قلعه آبکوه انگار از همان زمان قلعه بودنش تاکنون درگیر مسائل و مشکلات فراوانی بوده است؛ ۴۰۰ سال پیش درگیر جنگ و غارت همسایگان و امروز زخم خورده ناامنی و مشکلات زیر ساختی شهر نشینی. اما این روزها قلعه بیشتر از هر زمان دیگری از هجوم مشکلات ناامنی و نبود امکانات شهری رنج می برد. دیگر خبری از هجوم طایفه غزا و ترک تیاران شمال شرق امیراتوری صفوی نیست، حالا قلعه میان مشکلات مختلف شهری و معراج فولاد و فلزات ساختمانی محاصره شده است و هر بار با غارت راهزنی گستاخ سقوط می کند. مشکلات و گلایه های اهالی قلعه آبکوه ما را بر آن می دارد که بار دیگر سری به این منطقه بنزیم و از نزدیک گلایه های ساکنان آن را بشنویم. این مشکلات آن قدر متنوع است که در این گزارش تنها توانستیم به برخی از مشکلات نوسازی و ناامنی های به وجود آمده در این منطقه بپردازیم و تنها، بازگوکننده مسائل و درخواست های مردمان این منطقه باشیم. قرار اولم با آقای سلیمانیان، یکی از ساکنان قدیمی منطقه آبکوه، دستگیر ۱۹ است. به محض اینکه وارد کوچه می شوم رنگ و لعاب دیوارها تغییر می کند و رنگ کهنگی می گیرد. جالب است، فاصله بین ساختمان های شیک و مدرن با دیوارهای قدیمی و فرسوده تقریباً هیچ است؛ یعنی دقیق پشت به پشت ساختمانهای گچ پری شده امروزی دیوارهای کهنه و ترک خورده ۵۰ سال پیش به چشم می خورد. اینجا مرزهای تاریخ راحت شکسته می شوند و روند توسعه را به خوبی نشان می دهند.

شهرداری خودش مستقیم وارد عمل نشده و به همین علت به آن صورت رضایت مردم را جلب نکرده است



دزدانی که اول زنگ می زنند!

درست انتهای کوچه، خانه ای سیمانی است که روی پله اش پیرزنی با چادر رنگی اش در آفتاب نشسته است و دوسه متر آن طرف ترش دوسه نفر از اهالی برای بیان مشکلاتشان جمع شده اند و منتظر ما هستند. آقای سلیمانیان که به گفته خودش بیش از هفتاد سال است که در این منطقه سکونت دارد درباره مشکلات این محل می گوید: در گذشته شهرداری زمین های بسیاری را از متری ۳۵۰ هزار تومان تا ۴۰۰ هزار تومان خریده و یکی یکی خراب کرده و به امان خدا رها کرده است. کسی نمی داند

می فروشند، اگر این چنین نیست پس چرا در منطقه آبادانها ساختمان چهار طبقه ساخته اند. بر چه اساسی مجوز ساخت این بنا را داده اند؟ چرا شهرداری خودش جلو نمی آید؟ این دفاتر کارگزاری هیچ کدام دردی از مردم دوا نخواهد کرد. وقتی هم که برای اعتراض به شهرداری می رویم، می گویند به ما مربوط نیست. ما به بخش خصوصی واگذار کرده ایم. صمدی که بازنشسته نیروی انتظامی و یکی از اهالی قدیمی قلعه آبکوه است، در ادامه می گوید: من خودم دو سال پیش رفتم یکی از این دفاتر بافت فرسوده در آبکوه. به ما



تاریخچه قلعه آبکوه به روایت

بیش از هزار

داشته و مردم بعد از خراب شدن قلعه، نام آن را قلعه کهنه گذاشته اند. محدوده آبکوه نیز در بین روستای سعدآباد و قلعه کهنه واقع شده است و قدمت کمتری در مقایسه با چهاربرجی (قلعه کهنه) و سعدآباد دارد. قرار دارد. اما ملک آبکوه در اصل متعلق به آستان قدس

جنوبی باغ ملک آباد فعلی منتهی می شد. از سمت شمال هم تا جایی که چشم کار می کرد، کاریزها، گندمزارها و باغ تره ها دیده می شد. از سمت غرب بیابان های لم یزرع و دشت ها و کاریزها، از سمت شرق نیز فقط باغ های روستا بود. اما وجه تسمیه آبکوه چیست؟ نظر بیشتر بومی ها این است که در روزگار گذشته و در زمان بارندگی، آب های سطحی از کوه های سمت جنوب و شرق به این روستا سرازیر می شده است و چون قلعه آبکوه، نخستین روستا در مسیر آب ها بوده، آن را آبکوه نامیده اند. قلعه آبکوه شامل سه محدوده قلعه کهنه، آبکوه و سعدآباد بوده است. قلعه کهنه، محدوده چهاربرجی قدیم است که در قسمت غرب قلعه آبکوه فعلی قرار

قلعه آبکوه یکی از روستاهایی است که تا چند دهه پیش چندین کیلومتر با شهر مشهد فاصله داشت و از نظر قدمت طبق تحقیقات به عمل آمده پیدایش آن را حدود چهارصد سال قبل می دانند. اما عده ای از قدیمی های آبکوه نقل می کنند که آبکوه بیش از هزار سال قدمت دارد. این روستا در شش کیلومتری غرب شهر مشهد واقع شده بود و تا قبل از سال ۱۳۴۰، خارج از محدوده شهری محسوب می شد. اما با افزایش جمعیت و گسترش شهر، هم اکنون در مرکز شهر مشهد قرار گرفته است. آبکوه حدود ۳۰ هکتار مساحت دارد و تا پایان سال ۹۰، تقریباً دارای جمعیتی بیش از ۱۱ هزار تن بوده است. آبکوه دهه چهل، از جنوب به روستاهای احمدآباد در محدوده سه راه راهنمایی فعلی و روستای ملک آباد در ضلع

